



بهار امسال منطقه با عیدهای سال قبل تفاوت زیادی داشت

## شور سنگربانان جوان، ضامن آرامش محله

بین فقط سوپرمارکت‌ها باز بودند. ما هم صبح زود کارمان را شروع می‌کردیم. یاد هست یکی از صاحبان همین سوپرهای یکی از بچه‌ها را صدا زد و صاحبانه مفصلی را تدارک دید یکبار یکی از سمشناسی‌ها خودرو و همراهان نبود و پمپ‌ها را سر دوش گرفته بودیم که یکی از اهالی پیکان‌وانتی را در اختیار مان گذاشت و پمپ بزرگی که کارمان را راحت کند. این‌ها را تعریف کردم تا بگویم در اجرای طرح تنها نبودیم و خیلی‌ها همراهی مان کردند.

### مدافعان سلامت

حمیدرضا نیکوخصلت از دیگر جوان‌های پایگاه که دانشجوی مهندسی است، این ترم را مریخی تحصیلی گرفته و وقتش را برای هم‌محلی‌هایش گذاشته است. او قصد کرده است چند روز از شعبانیه را روزه بگیرد و با دهان روزه بچه‌های عملیات را برای سم‌پاشی همراهی کند. او قبل از هر اشاره‌ای در باره اقدامات گروه عملیات در سم‌پاشی محله و خیابان‌ها از فعالیت‌های جوانان پایگاه می‌گوید که در مناسبت‌های مختلف پای کارند، از دهه فجر که دست جمعی شعارهای انقلابی را ماشین‌نویسی می‌کردند تا اجرای سرود در محل‌های عمومی و پرتدد و حتی رقابت‌های ورزشی در فوتسال که تیم نونهال محله‌شان با وجود ۳ تیم باشگاهی در رقابت‌های ورزشی توانستند خود را بالا بکشند. او می‌گوید: تعداد عضوهای پایگاه خیلی زیاد است و یکی از تماشایی‌ترین فعالیت‌هایشان به نیمه شعبان بر می‌گردد که با محله‌آرایی شروع شده است و به جشن بزرگی ختم می‌شود. او دعا می‌کند تا رسیدن این میلاد زیبا و تماشایی دوباره آرامش به محله بازگردد.

دغدغه هم‌محله‌هایشان خرید مایحتاج شهر وندان به‌ویژه سالمندان را در روزهایی که همه در قرنطینه خانگی به‌سر می‌برند، انجام دهند. شماره تماس ثابت و وقت مشخص شده‌ای را برای انجام این کار اعلام کردند. بعضی‌ها در طرح ملی مبارزه با کرونا شرکت کرده‌اند و در ورودی شهر و بخش‌های خدماتی در مانی مشغول شده‌اند و برخی‌ها در عملیات سم‌پاشی و عده‌ای به خدمت سالمندان پرداختند. مهدی هادوی با اینکه سن و سال زیادی ندارد، اما از نوع حرف زدنش پیداست از آن جوان‌های باتجربه و بی‌خسته است. او که ۱۸ سالش تمام شده است، می‌گوید: از اهالی همین محله هستیم. از خیلی سال قبل با مسجد و فعالیت‌های بسیج آشنا شدم و همکاری داشتیم، اما از سال ۹۵ عضو فعال بسیج هستم. صحبت از طرح خرید برای سالمندان که می‌شود، تعریف می‌کند: به‌علت بیماری و خطری که افراد سالمند را تهدید می‌کند، از آن‌ها تقاضا کردیم شما در خانه بمانید، ما خریدتان را انجام می‌دهیم. اوایل شرم مانع می‌شد بعضی‌هایشان راحت آنچه را می‌خواهند با ما در میان بگذارند، اما رفته رفته جو صمیمی و راحتی ایجاد شد و اعتماد می‌کردند و خریدشان را به ما می‌سپردند. با هادوی در باره طرح گسترده‌گندزدایی خیابان‌ها و معابر حرف می‌زنیم و توضیحات تکمیلی را می‌گذاریم به‌عده خودش که تعریف می‌کند:

این موضوع وظیفه بخش عملیات است. فقط در یکی از روزها که عملیات تخصصی با همکاری نیروهای سپاه انجام می‌شد، کل مفتاح گندزدایی وضد عفونی شد. او از همراهی خوب و باورکردنی مردم این‌گونه روایت می‌کند: مغازه‌ها بیشتر بسته بودند. در این

روزهای ابتدای سال به روال روزهای جمعه است. پرنده هم در کوچه پر نمی‌زند. آن قدر خلوت و سوت و کور است که آدم می‌تواند به تمام سوخا و سنبه‌هایی که در روزهای عادی نمی‌شود راحت دیدشان سرک کشید. بچه‌های پایگاه‌انقدر با هم رفیق شده‌اند که با وجود هشدارهای مکرر برای قرنطینه شدن، بیشتر ساعت‌هایشان را با هم گذرانند و هر روز بخشی از معابر را ضد عفونی می‌کنند. آن‌ها به یک قانون طلایی رسیده‌اند، اینکه بهترین روزهای زندگی‌شان را برای دیگران بگذارند و به‌ویژه اینکه آن‌ها همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌هایشان باشند. شاید هیچ‌وقت کسی درک نکند بهترین خاطرات عده‌ای جوان به روزهای کرونایی شهر می‌رسد که هیچ‌کس جرئت بیرون آمدن ندارد. البته این اولین گامشان نیست و تا امروز کارها و فعالیت‌های زیادی انجام داده‌اند. به قول خودشان چند سال قبل را در سیل‌های شهرهای مختلف مشغول خدمت‌رسانی بوده‌اند. این‌ها هم به‌خاسته از پایگاهی در مفتاح‌اند. همه چیز به شکل‌گیری پایگاه شهیداشرفی اصفهانی در سال ۹۵ بر می‌گردد. مجموعه‌ای که هر سال جوان‌های زیادی را جذب مسجد می‌کند.

### کارهایتان با ما، در خانه بمانید

کارهای بهار را در بخش‌های مختلف از چند وقت مانده به‌عید برنامه‌ریزی کرده بودند آن‌ها دست به ابتکار جالبی زدند که تأثیر زیادی در محله داشته است. با مشورت پیش‌کسوتان مسجدی به این نتیجه رسیدند که جوانان مسجدی برای برطرف کردن



از سالمندان تقاضا کردیم شما در خانه بمانید، ما خریدتان را انجام می‌دهیم

## خداقوت قهرمانان

### حرف اول



معصومه فرمانی‌کیا دبیر شهر آرامش منطقه ۴

از مرگ می‌ترسم، اعتراف می‌کنم هر اندازه که زمان بگذرد، باز هم از مرگ هراس دارم. از نبودن‌ها، از خدا حافظی‌های طولانی و رفتن‌های بی بازگشت، از این حقیقت وعده داده شده. اسفند پر از دلهره گذشت و در فروردین هر روز خبرهای مرگ، مانند آواری خراب می‌شد بر سرمان.

سایت‌های رنگ به رنگ مجازی پر بودند از تصویرهای جوانان و پیرهایی که با چشمانی گود افتاده، ماسک اکسیژن به دهان داشتند و نفس‌هایی که به شماره افتاده بود. بیماری افتاده بود وسط زندگی آدم‌ها. می‌دانستم مرگ هیچ‌وقت در نمی‌زند، خبر نمی‌کند و منتظر اجازه ورود نمی‌ماند. حتی در زیباترین فصل زندگی شبیه بهار. ناگافل نام عزیز ترنمان را از زندگی قیچی می‌کند و می‌برد. از صدای آژیر آمبولانس‌های بیمارستان جانم به لب می‌آید.

پرستارها و پزشک‌های بیمارستان این حوالی حتما حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. شاید هم منتظرند این روزها تمام شود و برای همیشه بگریزند، از این همه روزهای تلخ و شب‌های دلهره‌آوری که تمام شدنی نبود. کرونا درس‌های زندگی زیادی به ما داد، بیشتر از یک دوره دانشگاهی تمام عیار. آن‌ها هم می‌توانستند بودن و نبودن دیگران برایشان مهم نباشد و نسبت به آن بی تفاوت باشند.

می‌دانم این روزها هم تمام می‌شوند، حتی اگر نتوانیم فکر کنیم مرز بودن و نبودن ما آدم‌ها به اندازه همین جملات کوتاهی است که می‌نویسیم، همه چیز در یک لحظه زیر و رو می‌شود. مقدمه طولانی شد، مثل همیشه هدفم از نوشتن این نبود که در روزهای شاداب و بهاری اول سال، چنین اخمی روی پیشانی‌تان بنشیند و خاطرتان را مکدر کند.

حتما شما هم دیده یا شنیده‌اید وسط همه این روزهای دلهره‌آور در گوشه و کنار محله ما، جوان‌هایی پای مرگ را بوسیده‌اند و سینه سپر کرده‌اند برای مقابله با آن. همیشه غبطه می‌خوردم به آن‌هایی که سال‌ها مقابل آتش و گلوله ایستاده بودند. حتی نمی‌توانم خودم را برای چند ثانیه بگذارم جای آن‌هایی که با علم به اینکه میدان‌پیش رویشان پر از مین و خطر است، بی‌هیچ دلهره‌روی آن‌راه می‌رفتند تا مسیر را برای دیگران باز کنند. کم نبودند جوان‌هایی از محله که نامشان به‌عنوان شهید حالا به کوچه و خیابان‌های ما سنجاق شده است.

بهار امسال بچه‌های محله ما نشان دادند تاریخ باز هم اگر به ایثار و فداکاری نیاز داشته باشد، پای آن ایستاده‌اند. آن‌هایی که با دهان روزه در روزهای شعبانیه دور هم جمع شدند و هر کس کاری را که از دستش ساخته بود، انجام داد.

آن‌هایی که مطمئنان کردند در دنیا هیچ‌وقت پشتمان را خالی نمی‌گذارند و قوی و استوار مثل کوه ایستاده‌اند. حالا که زمانش شده و فرصتی فراهم است، تیریک می‌گویم به همه آن‌هایی که شجاعانه و فداکارانه ایستادند. به پزشکان و پرستارانی که مهربانانه در روزهای بی‌رحمی این ویروس ناخوانده کنار بیمارانشان ماندند و سال را با آن‌ها تحویل کردند. تیریک می‌گویم به شجاعت همه آن‌هایی که نمی‌گذارند دنیا ناجوانمردانه پشتمان را خالی کند. خداقوت همه شما باشد. حق نگهدارتان.

### به قلم دوربین

## قدردانی از نارنجی‌پوش‌ها

پاکبانان منطقه تقدیر شدند. به گزارش شهر آرامش، نارنجی‌پوش‌هایی که در آستانه بهار ۹۹ و همچنین روزهای پس از آن بیشترین بار خدمات شهری را بر دوش می‌کشند، تقدیر شدند. زحمات و تلاش آن‌ها برای داشتن شهر و محله تمیز خیلی بیشتر از این‌ها ارزش دارد، اما این هدیه نشان داد هم مردم و هم مدیران قدردان تلاش آن‌ها هستند.

